

بالاخره مسطور که پیشنهاد کرده بودیم و مورد تأیید عموم...

از اینرو ما اکنون پیش بینی می کنیم که مأموریت میسیون ایران...

خبرهای کشور

در کاخ وزارت امور خارجه ساعت ده صبح امروز آقای احمد قوام...

هواپیمائی که برای حرکت

آقای نخست وزیر آمده است هواپیمائی در صورتیکه ظرفیت...

دادرس افسران فراری

خراسان پایان یافت امروز پس از یک ماه با بررسی...

سیاست جهان پیشنهاد نماینده مصر

راجع حل مسئله هند هند خستگی اعضاء شورای امنیت از طولانی شدن مذاکرات

سه ساعت و نیم بعد از ظهر دیروز مجدداً جلسه شورای امنیت...

افغان نایبندگان میباید این افکار و اندیشه ها را بگویند...

مذاکرات شورای امنیت درباره قضیه آندونزی

رادیو لندن - هفتدهمین جلسه شورای امنیت ملل متحد...

نایبند او گریان اصرار ورزید که شورای تصمیم خود را در این باره...

نایبند او گریان اصرار ورزید که شورای تصمیم خود را در این باره...

گزارش های مهم دنیا از اروپا و خاور میانه

پیشنهاد اعزام کمیسیون از طرف شورای امنیت برای رسیدگی باوضاع آندونزی

پیشنهاد نماینده مصر در شورای امنیت راجع به مسئله آندونزی

اعتراف شدید دولت آمریکا با ژنرالین اظهارات خانم روزولت راجع بلزوم شرکت باوان در سازمان ملل متحد...

قضیه سوریه و لبنان در شورای امنیت ملل متحد

در بیان لغات آقای ارمنی وزیر مختار سوریه در لندن...

لندن - (خبرگزاری) انگلیس تصور می رود که ویستنیسکی رئیس هیئت...

وا که با شورهای جمهوری دیگر امریکا برای همکاری با آنها است...

سیاست خود را در راه تصفیه و تخریب روابط امریکا بکار برده است...

سان فرانسکو تقاضا دارد که مرکز سازمان ملل متحد باشد

سازمان ملل متحد قرار است در سان فرانسو برگزار شود...

در مجمع عمومی ملل متحد

اعتراف شدید امریکا بدولت آرژانتین

دولت آرژانتین در آن سازمان ملل متحد حکومت را که «توتالی»...

يك دوشيزه امريكائى

نامه هينوليس
دوست دوشيزه « دوريس شوارتز » كه در يكي از بیمارستانهاى مدي نيويورک کار ميکرده پس از جنگ به جزي چتر بازيات امريكائى رفته و در اروپا مانده است. « دوريس شوارتز » براي دلجوئي و تسليت مادر دغدغههايش مشاهده روزانه خود را منوشه ويراى او مى فرستاده است. اشک جندنامه او بنظر خواننده کان فرماي ميرسد.

قلمرو ابدندان گير و نامه نيويوس
دوره پيش جوامع پييارستان آمد که در دردمستی را بریده بردند. منظره اسفا انگيزش هرستگدي را پلریه می آورد. بکروز شيدم که با همی ای خفاي ميگفت و ايكش می راست نامه ای بنويوسم گفت:

« مکرر نيويوس قلمرو ابدندان بکيري و نيويوس » من طوری این سوال را کردم که نومی قلم ابدندان نرفتن کار آسانی است. جواب داد: هر کس فرستادنيويوس! من ز دروغ برهنه کرده گفتم: « پاي کار آسانی است نتوانی سرين مکردهای سيس بساطق خود رفته پسرين برادرم و هميکه ديدم ميشود بد بطريق چند گانه نوشت. نزد جوان رفته گفتم: بين من و مجور هينوليس تو هم هل کن تا بروی با بکيري. جوان بيچاره را ديگر منزلت شد. امروز نامه ای از او بدست من رسیده که هر چند غم غوی ندارد، ليکن از روش زيادی دارد. در نامه روزنامه ها نوشته که در برهه رسن ما نذرانده ياد کرده نوشته که نشي رویه بود ميروند. کلماتي که نوشته کرده سوخته اطفا مال شهادت دارد. صدک و اخراج و خواناست. ما بوجود چنين جوامع نظر مي کنيم و متفديم که تپ نهمانان ميدان جنگ، مراور ابادش نيستند بلکه آهنگي که مدهتهای زياد گوشي مي کنند تا خود را و مدي هدي که پيش داشته اند زياد کند چيست چيستني پادشاهي است.

ديگر پاداري!
دش در دفتر خود نشسته بودم در باز شد و کودک سه ساله قشنگي که بيش از سه سال نداشت وارد شد. مدين طور به جلوم آمد و سن نكتمی کرد، با خوشروي و اهلين خاطر گفت:

« من هم «رژو» است. » من از او درخواست کردم که بيش از اين مشخصات خود را بپويد. باز با من گفت:

من رژو هستم. با زحمت روی ميكي از نيكت ه رفت و شروع کرد به شاي چيز هائي که در دفتر من بوده.

بدنه اطلاعات غيب دادم که چنين دخلي اينجا آمده است جواب دادم که اين پسر بيگانه ميرد. من است که از اطاق ياروش بيرون آمده و البته سراغ او مي آيد. طولي نماند که سر از تومندر که در دويش را برید، بودند و با کمک دو سوار راه مي رفت.

خاطرات لئون بلوم



هوز بلوم از خواب بيدار شده بود که عده ای خانه ووي را دستگير کرده، زندان انداختند در اين شماره بلوم شرح دستگيري و زندان شدن خود را مي دهد.

مناظره و يکتور هو کو شاعر معروف فرانسوي راجع حوادث سال ۱۸۷۰ مطالبات متعوتون سال و سخنانك چه آردی كرد. لئون بلوم نيز راجع به حوادث فرانسه و حسادته دردناك سقوط تپون نشور خاطراتي بنام « سال شوم » تدوين کرده است. له صفحات آن، مانند بزرگترين سند رسمي نقاط تاريخ تاريخه صرافانه را دروشن مينمايد.

لئون بلوم در حربه سوسيالست فرانسه، در ضمن اين نگارشات قوت اراده و روشن بيني خود را در قبال حوادث سياسي بخوبي ثبت و مدلل مينمايد: لئون بلوم راجع به يادداشتهاي خود اينطور اظهار قديم مينماید:

بياري از مردان سياسي حوادث دوران زندگاني خود را در روز بروز هانظوريكه تفاق افتاده است يادداشت مينمايد. عده تدوين دولت را ميتني بر نويسان در مدهتا بد پس از مراجعه يادداشتي رسمي واسندهم، گامی شيبه بكتاب تاريخ تدوين مينمايد، ولي يادداشتهاي من، يادداشتهاي را که با هم خاطرات تسليم کرده ام صورت جديدي دارد که از هر دو مودود شرح است.

من اين خاطرات را از روی روزنامه ها يادداشت نکرده ام در زنداني که اقامت داشتم، هيچ سندی براي مطالعه در دستم من نبود، من اين اوراق را طي سه ماه مطالعه، در مدت سه ماه تفکر و برسي و خطرات گذشته، تا آج همي که حافظه ام شلک ميکند و اين مطالب را حفظ نموده بوده تپه کردم بنا بر اين يادداشت ها متکی بر يادداشت و تشخيص من است و شراحت و بوجدان و ضمير من صحت آنها را ضمانت ميکند.

در زندان « شارژون »
مطالبی را که اکنون براي شما نقل ميکنم مربوط بروز های اول زندان است:

روزي که من وارد زندان شدم روز ۱۵ ميژمير بود، سحر ناه اين روز نيکت بار با وحشت و ترس فوق العاده ای از اجزا خراشمتامورين بليش منفي، خانه يلامي، من نه اي را نه سدهتمت ترين روزهاي صرم را با رعاي مزيمم در آنجا گذرانده



بودم معاصره کرده بودم. درست ساعت ۶ صبح بود که مامورين پليس در منزل را توبيدند. خاطرات آن روز براي من فوق العاده جالب توجه است، بلافاصله لباس وشيده از اطاق خواب بيرو رفتم. در باغ چند اتوبيل و دو سه زباني افراد ناشناس ديده ميشوند. هنوز چند قفسه رفته بودم که يکي از کيسر هاي پليس زديتشده و پس از سلام و تعارف منصري رفت:

« نظر به نيکه دولت فرانسه آزادي و عدليت نشوني شواراخلاف مصالح خود ششبه ده است؛ بنا بر اين اجازت دستور دولت را ميتني بر بازيادداشت شخص شما، چنانچه اجازت الاغ نايام؛ شما بايد بدانيد که در شازرون واقع در « اوروري » محلي براي سکونت شما در نظر گرفته شده است. »

حکومت و بشي چندروز قزلزل يادداشت من، با گذراندن تصويتنامه معرمانه اي بفرود سن داده بود که در موقع ضرورت هر فردی را که نسبت به مضمون است فوراً بدون رعایت قوانين و مقررات و بدون اثر هلت يازدشت ياتبيده سايد.

بنا بر کري که کيسر پليس راجع به صل سکونت داد يقين پيدا کردم که من بچي خواهم رفت که کاملن فرمانده کل قواي فرانسه و دو سر ديگر از نخست وزيران سابق فرانسه ويکه وزير کشور، يعني آقايان دالادي و بل رينو و مادل انتظار مرادوتد مردم در خصوص من در اين سه ساله صحبت هاي زيادي ميکردند ولي حقيقت اين بود که در سن آخر من سکلي از جريانات سياسي ستاره گيري کرده بودم. گذشته از اين که از زمان شروع جنگ با نظرم من به چوبچه و لولش و صفائي داشتم بلکه اصولاً چند سالی بود که خود را از هياهو و جيجال کنار نشيده بودم شوراي هائسي نظامي حکومت و بشي که ما مورس دي که به صل شکست فرانسه و مسئولين شکست بودند، مرا بتوان شاهد هم در دادگاه ها

بوغناق

تب راجعه را علاج ميکنند
اغيار يکي از آفات بوشکان در آن جريمه ادها کرده بود که تب راجعه را برسره ريشه گياه ايراني بنام بوغناق با چند ريال مبالغه ميکنند و متأسفانه اين مطلب در سر مقاله ديشب دو بابل تبراچه و تيفوس» منکس شده بود اين جانب لازم داشت براي روشن شدن ذهن خواننده لادو گناه شدن بيماران توضيح مختصر زير را که متکی بر تجارب همي در پشهاي بيمارست نه اي داشکده پزشکی است معروض دارد.

بوغناق در بيمارستانهاي داشکده پزشکی تحت آزمايش دو آمده است و بطور مختلف بيقاير گوناگون بان روشی که در کتب قديمه پزشکی مندرج است وهم طرقي که بوشکان منقد مان ميگویند داده شده و متأسفانه کوچکترين اثری بر سير بيماری نداشته است.

تب راجعه پس از ۶ تا ۷ روز معمولاً خوب ميشود قطعه ميشود و مداز چندروز خود ميکنند و اين ترتيب چند مرتبه تکرار ميشود.

بوغناق به چوبچه سير بيماری را تقير سدهد و آنرا قطع يا نوتاهت نسي سازد.

در كتب پزشکی قديمه منجمله پزشکی امام اثر اين گياه را در تب راجعه با ترديد ميکارند گمانی که مايلد اطلاعات بشري در خصوص تب راجعه و اثر بوغناق بر آن کسب نمانند ميتواند شماره ۴ و ۵ و ۶ و ۷ ماهه داشکده پزشکی که در دست چاپ است مراجعه کنند.

بيخبره نمانند هانظور که در سرمقاله آن روزنامه اشاره شده بود بهتر است عموم مردم بوسيله گکرد ضد عفوني « د. د. د. » که با هاي بازيادداشت شخص شما، چنانچه اجازت الاغ نايام؛ شما بايد بدانيد که در شازرون واقع در « اوروري » محلي براي سکونت شما در نظر گرفته شده است. »

حکومت و بشي چندروز قزلزل يادداشت من، با گذراندن تصويتنامه معرمانه اي بفرود سن داده بود که در موقع ضرورت هر فردی را که نسبت به مضمون است فوراً بدون رعایت قوانين و مقررات و بدون اثر هلت يازدشت ياتبيده سايد.

بنا بر کري که کيسر پليس راجع به صل سکونت داد يقين پيدا کردم که من بچي خواهم رفت که کاملن فرمانده کل قواي فرانسه و دو سر ديگر از نخست وزيران سابق فرانسه ويکه وزير کشور، يعني آقايان دالادي و بل رينو و مادل انتظار مرادوتد مردم در خصوص من در اين سه ساله صحبت هاي زيادي ميکردند ولي حقيقت اين بود که در سن آخر من سکلي از جريانات سياسي ستاره گيري کرده بودم. گذشته از اين که از زمان شروع جنگ با نظرم من به چوبچه و لولش و صفائي داشتم بلکه اصولاً چند سالی بود که خود را از هياهو و جيجال کنار نشيده بودم شوراي هائسي نظامي حکومت و بشي که ما مورس دي که به صل شکست فرانسه و مسئولين شکست بودند، مرا بتوان شاهد هم در دادگاه ها

دکتر محمد بهشتي

احضار نکرده بودند و اين خود دليلي بود که نشان ميدهد در دوران جريانات شرکت داشته اند ولي با وجود اينها خود در شازرون زندی بود و پسر در آلمان.

معلی که بايدم در آنجا يادداشت شوم، در زندگي تولوز فرادداشت قصر « شروزون » در بلای « خاشاک » کيون در ميان تخت سنگي کوه ساخته شده بود.

کاروانی که از اتوبيل من و ساير اتوبيلهاي پليسي تشکيل شده بود، ناچار بود براي رسيدت باين محل پراه بريچ خوشي رامي کند اين راه از قسمت فرانسه « اشغال شده » جبر ميکرد.

من مخصوصاً مايلم بجای فرانسه آزاد کفه فرانسه « اشغال شده » را استعمال کنم و زيرارضه اين محل طوری بود که اثری از آزادي نشان ندياد.

هنوز غروب شده بود که اتوبيل من

بشوی اوراق دلتنگی که در بازار بکرنگی مرقع های دونا کون ی احمر سی اردو اما

مرغاب صاحب
را با اینکه در بازار بکرنگی هم دوخته شده و بقدر صدها می احمر ارزش دارد فقط با ۲۵۰۰۰ ريال ميتوان خريده محل فروش: کتافروشي چهار خان سعدي وساير کتابخانه های مهم ۱۱۵۱۸-۲

سيمان پر قلند
تن ۶ پوند و ۱۷ شلینگ سيف براي سفارش به نگاه چديت سراي طوسي مراجعه شود. ۱۱۲۵۲-۲

شرکت سهامی مرکزی اقتصادی و تجارتي ایران
از خيابان سفارت فرانسه کوچه نظاي اغيار بهل جديد خود اقامت در خيابان بودرجه ي چهار راه سنگلج کاشي ۴۰۸ انتقال يافته است ۱۱۴۱۶-۲

بانوان ارزان شد
کفش امريكائي زمانه جفتي ۲۵۰۰۰ ريال بصيرت تپيه حاجب الدوله ۱۱۵۱۰-۲

مارگسيسم و طبقه کارگر
قلم: کلاچ - ترجمه: س - س - د ناينده پارلمان انگلستان - د نشيوري پزشکی معزفروش: هاور مرت - کورسک رچيني - کتابفروشي آکادمي ۱۱۵۲۸-۲

نياز منديم
برای بست نظمی انجمن فرهنگي ايران و انگليس بيکنتر کسه واجد شرايط لازمه باشد نياز منديم داوطلبان باستي در کاره ای اداری- ماشين ويسي و بايکاي سابقه بوده معلومات انگليسي مکفی داشته باشند داوطلبان فرخ لتسسل اذناشکاه مرجه خواهد بود.

داوطلبان تقاضای خود را تنها با شرح شغل اولي و مطالبات خود بشان ي رئيس انجمن فرهنگي ايران وانگليس - انجمن فرهنگي ايران وانگليس شماره ۶۸۳ خيابان فردوسي ارسال نمانند. ۱۱۵۴۰-۲

اسکيتينگ رينک
بينک پونک
بد ميبنگن
خيابان شاهرخ جنب تربيت بدني باشگاه آب ۱۱۵۳۵-۲

در مقابل در آهي بوريک ايستاد در اين چارچند فرسربازيا نك و مسلسل در حالي که سه نيزه به تفنگها صب شده بود، پاس ميدادند و اين اولين باري بود که من در تحت نظارت و مراقبت سر بزان صبيح قرار ميبرفتم شدم ما در مقابل بيگانه از تصور کوچک دوران فتودال سابق قرا رفتيم و من بلافاصله بيگانه و راهنناي بيگانه از کيسر هاي پليس از پله های متکی مرتبيکه درست چپ صارت قرار گرفته بود بالا رفته با طبق مخصوصی که براي مدين کرده بود سرسيدم کيسر پليس حداز آنکه من در اين اطابقه محل سکونت بود شدم

اخگر
جلد سوم اخگر منتشر و جلد چهارم زير چاپ است. چون بخواهيم کلمه جرايد و ميولات ايران را بقرريب چهر هزار نفر مشتريين داخله و خارجه خود معرفي کنيم از ارباب جرائد و ميولات استفا ميشود اطلاعات زير را تيران اوك كورچه هاسرالدین ميوزا اداره شريه اخگر ارسال نمايند.

تا روزنامه با مجله هدير مستوف تاريخ نيسين طرز انتشار (مهيه هفتگي - بوميه وقت اشعار) اثر روزانه است (صبيح - نظير صبر) وجه اشعار سالانه در داخله و خارجه وسر خبر صبرياني که اطلاع آن براي هکل ضروري است. ۱۱۵۲۲-۲

دآست ن زندان هارون
بايدهاي پيش فروش از آخر بهمن ماه ۲۴ که بگذرد اعتبار ندارد. ۱۱۵۳۶-۲

Sanastol
وارد شد هنده فروش شاکر امر خسرو ۱۱۲۷۹-۲

مگر دوشيزه چي از ان واقعه اطلاع داشت رنگ اميل سرخ شده قدری خود را باخت اميل باصداي لرزان گفت:

من مجبور بودم با کمي زيرا که او فقيه را حدسي زد و من هيچ سندی استکار نکرده ام خلا که ابدا اهميت ندارد زيرا که تمام هر ها بنوشتم او شوا را سالم و بريده ديد؟ سايز پشتش را با نان نموده گفت:

چقدر شامفول هستند!

سيس وار - اطاق خود شده روی صندلي نشن اميل با التماس رفت خواهش ميکنم خشکين نشويم.

خيلي خوب خشکين نشويم پس است ديگر پيش از اين مرا در آفوش کشيد برويد من ميخواهم تنها باشم و جوابم و خشکي خود را رفتن نايام.

بانو کورچه صاعدي بلند آفت چه فکرمالي است به ما بايد استراحت کنيد اي آقا زاده شما حقا لياقت و استعناق آن را داريد اميل برويم! روی توک اشفتان آهسته و بيستاد:

سايه خواب با هانه نموده خواست از دست رفتن را بخت شود و بجوابيد چون در کليه اعصاب و جوارح خود خشکي مخصوصي احساس کرد زيرا شب گذشته هيچ خوابيده بود و همته که روی رخت خواب خود افتاد بلافاصله خواب عميق فرورفت.

لصل بست و يکم
سايه چند ساعت متوالي خوابيد، در خواب ديد که او بعد از دورا ميکنند ولي اينده رقيب آقاي کلوراست و در بالاي درخت هج کلواطي شيبه پاشوتوه نشسته و پشت سر هم ميگويد يك - يك - يك به هيتي سرش را بلند کرده که دوره است.

آر. اوان نورگتف
داستان سرای نای روس
ترجمه عزت الله شادان
-۱۱-
ابوبی بهاری
سايه رحمت او آرام نموده در پاي خود نشاند بر مر دبانته لونه باغوش مخصوص جريان و نايه و اشراخ داد و از حرکت سايز با اسدازه صرفه کرد.

اميل با توجه مختصر نوش ميداد و دايه با صدهاي ناشي از سنج و شدي نلام او را قطع ميکرد و با تند يوق العاده نهران سکايت که هان سايز شده ميوسيد.

هانت جره هاي نالسه مومي از حرکت ايستاد که در برابر مپاهانه مي که سايز در آن منزل داشت رسيده بودند.

سايه بهرهي دور رفتن بود از روی پله ه طبقه دوم ميرفت سکده از الاچ تاريک زني بازوي توري قسم هر سريع پيش آمد و در معاف سايه توقف موده قدری تکان خورد و پس سرعت بطرف کورچه رفت و ناپيد مريده.

سايه از اين حرکت زن مزور بينبات در شکفت مانده سايز رفت.

من بخام پيش از يک ساعت انتظار مراجهت شما را داشت ايچ آن زن بهرعت برن ناپيد کرديد با وجود اين او را شناخت سايه ان دن را از روی چشماش که از زير روينده توري نپوه رنگ پيدا بود شناخت که همي است!

سايه بران لاسي و با لمن ناراضي رو ياميلو ياتلوتوه نموده گفت:

